

بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار

در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی در سطح فرانش اندیشگانی

بتول واعظ

عطیه سادات نصری

چکیده

زبان‌شناسی نقش‌گرای نظاممند هلیدی یکی از رویکردهای معناشناختی در تفسیر و تحلیل متون ادبی است که در مقابل زبان‌شناسی ساخت‌گرا قرار دارد. در پژوهش حاضر، قلبیت تطبیق این نظریه را در سطح فرانش اندیشگانی برای بازخوانی سیکی متن دو سفرنامه دوره قاجار بررسی کردایم و به تفاوت نقش‌های زبان در دو سبک زنانه و مردانه از طریق نحوه بازنمایی آنها در فرآیندهای فعل پرداخته‌ایم. پرسش اصلی این پژوهش چگونگی بازنمایی تجربیات و مشاهدات دو نویسنده در طول سفر از طریق ساختار گذراخواست شکل‌گرفته در فرآیندهایی است که جهان تجربی دو سفرنامه را به تصور کشیده است. با گزینش بخش‌های مشابه در هریک از سفرنامه‌ها، به بررسی پانصد نمونه فرآیند در هریک پرداختیم. پس از مشخص کردن نوع هریک از فرآیندها و آمارگیری، درصد فراوانی کاربرد هریک از فرآیندهای شش گانه (مادی، ذهنی، رابطه‌ای، کلامی، رفتاری، وجودی) را در فرانش اندیشگانی مقایسه کردیم. نتایج حاکی از این است که بسامد بیشتر فرآیند ذهنی در سفرنامه باونی قاجار، و بسامد بیشتر فرآیند رابطه‌ای در سفرنامه مرد ناشناس، بهترین نشان‌دهنده توجه بیشتر باونی قاچال به جهان درون، و اهمیت بیشتر کشف روابط حاکم در جهان پیرامون و ارزش‌گذاری این روابط در ذهن و زبان نویسنده مرد است. در بررسی میزان کاربرد افزوده‌های حاشیه‌ای در دو سفرنامه، روش شد که سکینه سلطان ۲۷ درصد بیشتر از مرد ناشناس این افزوده‌ها را در متن به کار برد است که توجه بیشتر او را به ثبت جزئیات در طول سفر نشان می‌دهد. از نظر کاربرد انواع افزوده‌های حاشیه‌ای، افزوده مکان و همراهی در سفرنامه نویسنده مرد و افزوده‌های درجه، کیفیت و قصد و علت در سفرنامه نویسنده زن بسامد بیشتری دارد. این موضوع تفاوت سبک را در دو نوشتار با توجه به نوع شکل‌گیری و تغییر تجربیات جهان بیرون در ذهن و نحوه بازنمایی آن در زبان دو نویسنده نشان می‌دهد. از نظر ساخت گذاری در این دو سفرنامه، هرجا نویسنده‌گان در حال زمینه‌چینی برای بیان مطلب اصلی هستند، جملات از گذاری کمتری برخوردار است و هرجا رویداد و کلام مهمی مطرح شده است میزان گذاری جملات نیز بیشتر بوده است؛ بهین معنا که فرآیندهای فعلی در پیش‌زمینه کلام، دارای تعداد مشارک‌کان بیشتر، ارادی، مثبت، دارای وجه واقعی، با عاملیت بالا و نمود غایی است و فریت مفعول و میزان تأثیرپذیری مفعول هم نسبت به جملات در پیش‌زمینه کلام بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی نقش‌گرای فرانش اندیشگانی، ساخت گذاری، فرآیندهای فعل، افزوده‌های حاشیه‌ای، سبک زنانه و مردانه، سفرنامه.

*استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) batulvaez@yahoo.com

**دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی atie.nasri@gmail.com

Rereading Two Travelogues of Qajar Era Based on Systemic Functional Linguistics of Halliday at Ideational Metafunction Level

Batool Vaez*

Atieh Sadat Nasri**

Abstract

Systemic functional linguistics of Halliday is one of semantic approaches to the analysis and interpretation of literary texts as opposed to structural linguistics. In the present study, we have examined the applicability of this theory at the level of ideational metafunction to reread the style of the text of two travelogues of the Qajar era and to differentiate between language functions in both feminine and masculine styles through how they are represented in verb processes. The main question of this research is how to represent the experiences and observations of two authors during the journey through the transient structure formed in the processes that have depicted the experimental world of the two travelogues. By selecting similar parts in each travelogue, we examined five hundred process samples. After determining the type of each process and its statistics, we compared the frequency of the function of each of the six processes (material, mental, relational, verbal, behavioral, and existential) at the level of ideational metafunction. The results showed the higher frequency of the mental process in the Qajar lady's travelogue, and the higher frequency of the relational process in the unknown man travelogue, respectively, indicating the greater attention of the Qajar lady to the inner world, and the greater importance of discovering relationships in the world around and evaluation of these relations in the mind and language of the male author. Through our examining the use of marginal additions in the two travelogues, it became clear that Sakineh Sultan used these additions 27% more than the unknown man in the text, which shows her paying more attention to recording details during the trip. In terms of the use of various marginal additions, the addition of place and accompaniment in the male author's travelogue and the addition of degree, quality, intention, and cause in the female author's travelogue are more frequent. This shows style differences in the two writings regarding the formation and depiction of outside world experiences in the mind and their representation manner in the language of these two authors. In terms of transitive structure in these two travelogues, wherever the writers are preparing the ground for expressing the main point, the sentences are less transient and wherever an important event and speech is presented, the degree of transience of the sentences is higher. This means that verb processes in the foreground of the speech have more participants, are voluntary and positive, have real face, with high agency and ultimate appearance, and individuality is object and the degree of the object's being influenced is more than the sentences in the background of the speech.

Keywords: Functional Linguistics, Ideational Metafunction, Transient Structure, Verb Processes, Marginal Additions, Feminine and Masculine Style, Travelogue.

* Assistant Professor in Persian Language and Literature at Allameh Tabataba'i University, (Corresponding Author) *batulvaez@yahoo.com*

** Ma Student in Persian Language and Literature at Allameh Tabataba'i University, *atie.nasri@gmail.com*

مقدمه

نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از رویکردهای نشانه‌شناسی است که به جنبهٔ ذهنی، فردی و جنبه‌های اجتماعی و متنی نظر دارد. نشانه‌شناسی اجتماعی به بررسی هر متن در موقعیت اجتماعی و فرهنگی خاص اشاره دارد. نشانه‌شناسان اجتماعی بر این باورند که نمی‌توان معنا را جدا از گوینده، شنونده و بافت بررسی کرد. آنها معنا را فرآوردهٔ فرآیندی می‌دانند که طی آن متنی برای ساس الگوها و منابع یک یا چند نظام نشانه‌ای خاص، بهویژه زبان، تو سط گویشگری در زمان و مکان، اجتماع، تاریخ و فرهنگی خاص تولید و بازتولید می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۰). مایکل هلیدی را می‌توان اصلی‌ترین پرچم‌دار نشانه‌شناسی اجتماعی دانست. او، به پیروی از استادش، جان فرث و برونیسلاو مالینوسکی، زبان را رفتاری اجتماعی می‌پنداشد و به همین دلیل از نشانه‌شناسی اجتماعی سخن می‌گوید. به اعتقاد هلیدی، هر گزینه در زبان معنای خود را در مقابل وضعیت گزینه‌های دیگری به دست می‌آورد که می‌توانستند انتخاب شوند. این تعبیر نشانه‌شناختی به ما امکان می‌دهد که مناسب یا نامناسب بودن گزینه‌های زبانی را در بافتی که در آن به کار گرفته می‌شوند تشخیص دهیم. نقش‌گرایانی چون هلیدی همزمان به جنبهٔ فردی و جنبهٔ اجتماعی دستگاه زبان، ذهن گوینده و جامعه نظر داردند. هلیدی معنا را محور اصلی زبان‌شناسی نقش‌گرا می‌داند و معتقد است الگوهای نحوی صرفاً برای تشخیص معنا هستند و این معنا با کاربرد برابر است. از نظر او، این کاربرد، کاربردی اجتماعی محسوب می‌شود نه صرفاً کاربردی موقعیتی، محدود و موضوعی. او معتقد است معنا براساس تجربهٔ دنیای بیرونی ما شکل می‌گیرد و الگوهای رفتاری ما مرهون محیط پیرامون ماست. ما، به‌شکلی اجتناب‌ناپذیر، رفتارها، اندیشه‌ها و ساختارهای ارزشی خود را در قالب زبان بیان می‌کیم؛ بنابراین، زبان رسانه‌ای خنثی نیست، بلکه به‌شدت سوگیری دارد و هر آنچه گفته و نوشته می‌شود، در بردارندهٔ باورها و ایدئولوژی ذهن گوینده است که به‌طور نهفته در زبان قرار می‌گیرد و به مخاطب منتقل می‌شود (همان، ۸۹-۵۱).

سفرنامه‌ها منابع ارزشمند اطلاعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که مکان و زمان جغرافیایی خاصی را به روشنی پیش چشم مخاطب می‌گذارند. از گزارش‌های موجود چنین برمی‌آید که اندکی از سفرنامه‌های موجود را زنان نوشته‌اند.

همین تعداد معدود هم به دست همسران پادشاهان یا صاحب منصبان و به طور کلی طبقات بالای اجتماعی نوشته شده‌اند.

در این مقاله، کوشش شده است، با بررسی بخش‌هایی از دو سفرنامه عتبات، یکی متعلق به سکینه سلطان همسر ناصرالدین شاه (۱۳۱۷ هق)، و دیگری متعلق به مردی ناشناس در دوره قاجار (۱۲۹۸ هق)، این دو سفرنامه از منظر فرانش اندیشگانی، که نوع نگرش گوینده یا نویسنده را به واقعیت و دریافت او را از جهان بیرون و درون زمان می‌دهد، بررسی شود و با بررسی نقش‌های زبان در هردو متن، تفاوت سبک نوشتار زنانه و مردانه، که از نوع ذهنیت هریک از نویسنده‌گان در بیان و بازنمایی تجربیاتشان از واقعیت حکایت دارد، نشان داده شود. سفرنامه اول، شرح سفر سکینه سلطان ملقب به وقارالدوله، از همسران ناصرالدین شاه، به مکه و عتبات است. وقارالدوله سفرش را چهار سال پس از کشته شدن شاه و زمانی که به همسری مختص‌الملک درآمد شروع کرد. سفر وقارالدوله از سال ۱۳۱۷ قمری شروع شده است و یک سال واندی طول کشیده است. وقارالدوله به گفته خودش در این سفر با پنج‌نفر همراه است. برادرش، آقامیرزا محمدعلی‌خان، زنانی به نام‌های ماهرخ و سیده خانم، مردی به نام آقا سیداحمد و یک‌نفر کجاوه‌کش.

سفرنامه دوم، گزارش سفر فرد ناشناسی است که روز شنبه، پنجم ذی‌حججه سال ۱۲۹۸ هجری، آغاز شده و به قصد زیارت عتبات عالیات از تهران حرکت کرده است. پس از گذراندن منازل بی‌شمار در این راه، به همراه جنازه پدرش که آن را برای خاک‌سپاری به کربلا حمل می‌کرده است و ثبت وقایع به صورت روزشمار، در روز بیست و ششم ربیع‌الثانی به تهران مراجعت کرده است. اگرچه اطلاعات چندانی از نام و کنیه نویسنده در تمام گزارش به‌چشم نمی‌خورد، از برخی گزارش‌های او در طول مسیر می‌توان به اطلاعات اندکی درباره نویسنده دست یافت. به‌نظر می‌رسد نویسنده داماد عمیدالملک بوده و با خاندان قاجار نسبتی داشته است؛ به‌همین دلیل، در میان مسیر، برخی از کارگزاران حکومتی از او استقبال یا او را بدرقه می‌کردند.

هدف و ضرورت پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی تفاوت نوع نگاه زنانه و مردانه در ثبت جزئیات و دقت در جهان پیرامون در جریان سفر است. رویکرد نقش‌گرای نظاممند هلیدی، با بررسی فرآیندهای زبانی، به آشکارسازی زوایای پنهان اندیشه و نوع نگاه نویسنده کمک می‌کند و این همان‌چیزی است که پژوهش حاضر درپی آن است. از آنجاکه پژوهش‌های انجام‌گرفته در چارچوب این نظریه، هیچ‌یک، به بررسی سفرنامه‌ها، که بخشی از تاریخ اجتماعی ادبی ما را شکل می‌دهند، نپرداخته‌اند و زوایای پنهان این متون ارزشمند را واکاوی نکرده‌اند، انجام پژوهش حاضر ضروری می‌نمود.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش آن است که تجربیات و مشاهدات دو نویسنده در طول سفر، چگونه از طریق ساختار گذرای شکل گرفته در فرآیندهایی که جهان تجربی دو سفرنامه را به تصویر کشیده، نمود پیدا کرده است. پرسش دیگر اینکه تفاوت جنسیت دو نویسنده چه تأثیری در بیان تجربیات و مشاهدات ایشان در طول سفر داشته و این تفاوت نگاه چگونه از طریق فرآیندهای فعلی و نیز افزوده‌های حاشیه‌ای به کار رفته در متن دو سفرنامه نمود یافته است.

پیشینهٔ پژوهش

اغلب پژوهش‌هایی که در چارچوب نظریه نقش‌گرای نظاممند هلیدی و فرانش اندیشه‌گانی انجام شده‌اند، به بررسی فرآیندهای فعلی متون مورد بررسی خود پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی افزوده‌های حاشیه‌ای را بررسی کرده است. اما نزدیک‌ترین پژوهش به پژوهش حاضر، مقاله‌ای است با عنوان «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائهٔ جزئیات در داستان براساس دستور نقش‌گرای» که رضویان و احمدی (۱۳۹۵) در آن به بررسی افزوده‌های حاشیه‌ای در دو داستان «تیلهٔ شکسته» سیمین دانشور و «همان‌طور که بود» مدرس صادقی پرداخته و بسامد استفاده از انواع افزوده‌ها را در این دو داستان از حیث جنسیت نویسنده‌گانشان مقایسه کرده‌اند.

در پژوهش دیگری با عنوان «بررسی جایگاه تجربه‌گر در نظام فکری اشراقی بر مبنای فرانش اندیشه‌گانی»، وفابی و میلادی (۱۳۹۹)، با بررسی فرآیندهای فعلی در دوره از

شهروردی، به این نتیجه دست یافته‌اند که غلبه جهان‌بینی اشراقی باعث شکل‌گیری سیر مشخصی از تغییر فرآیندهای زبانی از رابطه‌ای به ذهنی شده است.

در پژوهش دیگری، صفائی و همکارانش (۱۳۹۶) فرآیندهای فعلی را، در شعر «کسی که مثل هیچ کس نیست» سروده فرخزاد، در چارچوب نظریه نقش‌گرا بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که فرآیند ذهنی، اگرچه کمترین بسامد را دارد، بر دیگر فرآیندهای فعلی از جهت القای معنای شعر تأثیرگذار بوده است. پژوهش‌های بسیاری نیز به بررسی سوره‌های قرآن از منظر فرانش اندیشگانی پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به پژوهشی با عنوان «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره انتراح» اشاره کرد که در آن عزیزخانی و همکارانش (۱۳۹۶) به بررسی فرآیندهای فعلی این سوره پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که بسامد بالای فرآیند مادی با فضای متنی سوره هماهنگی دارد.

میانی نظری

هلیدی نخستین بار در سال ۱۹۸۵ با انتشار مقدمه‌ای بر دستور نقش‌گرا، به معرفی نظریه نقش‌گرای نظاممند پرداخت. هلیدی ساخت ویژه نظام دستوری هر زبان را با نیازهای اجتماعی و فردی‌ای متناسب می‌داند که آن زبان در جهت برطرف کردن آنها پدید آمده است (آفاگلزاده، ۱۳۹۰: ۸۸). زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی نظریه‌ای کاملاً معنامحور است که زبان را ساحت بازنمایی معنا می‌داند؛ بنابراین، می‌توان آن را نمونه نظریه‌ای معنده در زبان‌شناسی دانست که ساختار و معنا را همزمان در نظر می‌گیرد و در پی تحلیل رابطه متقابل آنهاست (مشکوئه‌الدینی، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

به عقیده هلیدی، نقش‌های اجتماعی زبان سبب پدیدآمدن شکل دستور زبان می‌شود. براین‌پایه، نظام دستوری زبان یک درون داد نقشی و یک برون داد ساختی را دربرمی‌گیرد. فرآیند مزبور نقش‌های اجتماعی گوناگون را با ساختهای زبانی مناسب در گفتار پیوند می‌دهد (همان، ۱۲۵).

از آنجاکه در زبان‌شناسی نقش‌گرا، زبان بهمنزله نظام نگریسته می‌شود، معنا از جایگاهی ویژه در این نگرش برخوردار است. بخش‌های بنیادین معنا در زبان، «فرانش»^۱ خوانده می‌شوند. زبان‌شناسی نقش‌گرای نظاممند بر این باور است که زبان ابزاری برای انتقال معنی و برقراری ارتباط میان افراد جامعه است (ایشانی، ۱۳۹۳: ۲۳).

در این نظریه، «نقش» مفهومی کلیدی در این دیدگاه است. برخلاف پیشینیان، که نقش‌های زبان را اموری ثابت می‌دانستند، هلیدی نقش‌های زبان را تابع موقعیت و بافت فرهنگی‌اجتماعی می‌داند. از نظر هلیدی، مهم‌ترین نقش زبان ایجاد ارتباط است. زبان مطابق با موقعیت و جایگاهش در جامعه نقش‌های گوناگون می‌پذیرد. از آنجاکه مفهوم نقش برای هلیدی بسیار مهم و کلیدی است، او این مفهوم را با عنوان «فران نقش» بررسی می‌کند. زبان در ارتباط با محیط اجتماعی انسان دو نقش عمده دارد: یکی معنابخشیدن به تجربیات انسان و دیگری به تصویرکشیدن روابط اجتماعی انسان. هلیدی سه فران نقش برای عناصر زبان قائل می‌شود: فران نقش اندیشگانی،^۲ فران نقش بینافردی،^۳ و فران نقش متنی.^۴

فران نقش اندیشگانی وظیفه درک محیط و انتقال اطلاعات را بر عهده دارد. فران نقش بینافردی نیاز انسان را به برقراری ارتباط با افراد دیگر و تأثیرگذاری بر آنها برطرف می‌کند. فران نقش متنی دو نقش قبلی را به هم پیوند می‌دهد. این نقش مسئول برقراری ارتباط میان زبان و بافت ارتباطی است. از طریق برقراری این ارتباط، زبان به پدیده کلامی موضوعیت و وحدت می‌بخشد و آن را به شکل پیام درمی‌آورد (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۸).

فران نقش اندیشگانی یا تجربی

زبان وسیله بازنمایی و بیان جهان بیرون و درون آدمی است. تجربه‌ها و تصویرهایی که ما از جهان بیرونی و جهان ذهنی خود داریم، به‌واسطه زبان مقوله‌بندی می‌شوند، به صورت مفاهیم درمی‌آیند، رمزگذاری و بیان می‌شوند (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۱). «فران نقش اندیشگانی زبان به تجربه سخن‌گوییان از جهان بیرون و جهان درون زبان بر می‌گردد. این نقش درک ما را از واقعیت، و در نتیجه، تجربه ما را سامان‌بندی می‌کند؛ چگونگی نگرش ما را نسبت به جهان رقم می‌زند و از تجربه آدمی از جهان واقع سخن می‌گوید (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۵۲۹). برپایه فران نقش تجربی زبان، برای صحبت‌کردن درباره تجربه‌های خود از جهان بیرون و درون ذهن بهره می‌گیریم. مایکل هلیدی با برقراری ارتباط دوسویه میان دستور و معنا استدلال می‌کند که زبان بشری، با پدیدآمدن برخی ساختارهای معنایی، به انسان امکان می‌دهد تا درباره تجربه‌های خود بینیشد و به عبارت دیگر، بهشیوه‌ای سازنده منظور خود را به زبان آورد (پهلوان نژاد و نجفی، ۱۳۸۷: ۴۸). «این فران نقش جهان‌بینی گوینده را منتقل می‌کند و تجربه و رویکرد او را نسبت به جهان خارج انتظام می‌بخشد» (فالر، ۱۳۹۷: ۸۳).

هر فردی برای بیان تجربیات خود، از واژگان، عبارات و اصطلاحات منحصر به فرد استفاده می‌کند. انتخاب این واحدهای زبانی، بسته به موقعیت اجتماعی و فرهنگی فرد، متفاوت است و این تفاوت در زبان نمودار می‌شود. هر تجربه‌ای قابلیت معنامندشدن از طریق زبان را دارد. در واقع، زبان ستری است برای نظریه‌پردازی درباره تجربیات انسان و نیز منبعی از واژگان دستور برای ایفای این نقش است. این فرانش را فرانش اندیشگانی می‌نامیم. سه پیوستار در فرانش اندیشگانی بررسی می‌شوند: فرآیند، مشارکان فرآیند و عناصر حاشیه‌ای فرآیند.

۱. فرآیند:^۵ ناظر است بر یک رخداد، کنش، حالت، رابطه، احساس، کلام یا موجودیت که در قالب افعال موجود در متن بررسی می‌شود.

۲. مشارکان فرآیند:^۶ عوامل دست‌اندرکار فرآیند را در برمی‌گیرد و حول محور فرآیند عمل می‌کند. این عوامل می‌توانند یا عامل فرایند باشند، یا فرآیند بر آنها اعمال شود، یا آنکه از فرآیند بهره‌مند شوند.

۳. عناصر حاشیه‌ای:^۷ علاوه‌بر فرآیندها و مشارکان، عناصر دیگری با نام عناصر حاشیه‌ای یا پیرامونی وجود دارند که موقعیت پیرامونی وقوع فرآیند را بیان می‌کنند و وجود آنها در بند اختیاری است. این عناصر معمولاً با حرف اضافه و بهصورت گروه‌های اضافی و قیدی در بند ظاهر می‌شوند (تامپسون، ۲۰۰۴: ۸۷-۸۸). زمان و مکان، شیوه عمل، اسباب و وسائل و شرایط فرآیند را رقم می‌زنند (پهلوان‌نژاد و نجفی، ۱۳۸۷: ۴۲).

فرآیند

فرآیندها را می‌توان با توجه به معنایشان به شش نوع تقسیم کرد و آنها را در دو دسته کلی فرآیندهای اصلی و فرآیندهای فرعی قرار داد. فرآیندهای اصلی عبارت‌اند از: فرآیند مادی، فرآیند ذهنی و فرآیند رابطه‌ای. فرآیندهای فرعی عبارت‌اند از: فرآیند رفتاری، فرآیند کلامی، و فرآیند وجودی.

فرآیندهای اصلی

فرآیند مادی:^۸ فرآیندی است که بر انجام کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارد. فعل‌های آمدن، آوردن، پختن، چلاندن، سوختن و نوشتن، نمونه‌هایی از فعل‌های فرآیند مادی هستند.

بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی...
بول واعظ، عطیه سادات نصری

فرآیند ذهنی:^۹ بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت دارد. از جمله فعل‌های فرآیند ذهنی می‌توان از شناختن، دریافت، درک‌کردن و رنجیدن نام برد.

فرآیند رابطه‌ای:^{۱۰} به چگونگی بودن چیزها و پدیدارها اشاره دارد و اغلب با فعل «بودن» بیان می‌شود و بر دوگونه است: گونهٔ اول، گونهٔ شناسایی است که در آن نوعی رابطهٔ همسانی در دو سوی رابطه دیده می‌شود و دیگری گونهٔ وصفی که در آن، میان یک پدیده و یک صفت ارتباط برقرار می‌شود.

فرآیندهای فرعی

فرآیند رفتاری:^{۱۱} در برگیرندهٔ رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود جاندار یا جاندارپنداشته شده است. افعالی مثل نفس‌کشیدن، خوابیدن، خنیدن، گریستن و... از این نوع‌اند. فرآیند کلامی:^{۱۲} شامل فعل‌هایی است که همه از نوع «گفتن»‌اند و بیشتر در بندهای مرکب ظاهر می‌شوند.

فرآیند وجودی:^{۱۳} از موجودیت یا هستی یک پدیده یا نیستی آن سخن می‌گوید. معمولاً برای بیان این فرآیند از فعل «بودن» استفاده می‌شود (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۴).

جدول ۱. انواع فرآیندهای در فرانش اندیشه‌گانی زبان

مثال در متن دو سفرنامه	انواع فرایند	
چادر کردم/ راه افتادیم/ سوار شدیم/ ادم کشته‌اند/ شام بدنه‌ند/ زدم به سرم/ آش بختند/ خوردیم/ ققره کردم/ ادای فریضه نمودم/ عقب حکیم فرستادیم/ حواله گرد/ چای دم کردم	کنش‌های عینی و فیزیک	فرآیندهای مادی
مانع نشدندا/ تدارک دیده‌اند/ گم کردم/ مهمان نموده‌اند/ خدا قسمت پکند/ گدایی می‌کرد/ روانه کردیم/ خروج کردیم/ قرض کنیم/ کاری نماییم	کنش‌های انتزاعی	
می‌ترسم/ ذوق دارم/ رضا شدم/ خشنود شدم/ هول می‌کردم/ در تعجب بودند/	احساسی	
شنیدم/ دیدم/ بینیم	ادراکی	فرآیندهای ذهنی
خوب دستگیر من نشد/ یاد می‌کنم/ نمی‌دانم/ اطلاع دارد/ فرموش کردم/ به خرج ... نرفت/ قبول نمی‌کرد/ نمی‌فهمند/ فکر نماییم/ نمی‌فهمیم	شناختی	
خيال مراجعت داشتند/ می‌خواهند/ خواستم/ خیال دارم/ خواستیم	تمنی	
کمنگ بود/ نکری بودیم/ معلوم بنشود/ چشم همه روشن شد/ با صفا است/ آش مثل ... می‌ماند/ به دوشان تبه می‌مانند/ بیدا نمی‌گردد	تأکیدی	فرآیندهای رابطه‌ای وصفتی/ شناختی
حق به گردن من دارند/ یکصد خانوار بیشتر ندارد/ مرغ و بز داشتند/ آبادی ندارد/ صفا ندارد/ عقل دارد/ انگور خوبی دارد/ ه مال ... است	ملکی	

فصلنامه مطالعات و تحقیقات ادبی دانشگاه خوارزمی
سال ۱۲، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، تابستان ۱۴۰۰

حاشیهای	فراآیندهای رفتاری	فراآیندهای فرعی
نژدیک به فراآیندهای مادی که بر حرکات جسمی و فیزیکی دلالت دارند.		
نژدیک به فراآیندهای ذهنی ولی ارادی و از روی آگاهی فراآیندهای روانی غیرارادی		
عرق کردم/ اسب می‌شلید/ لنگ شدیم/ سرما خوردیم گریه کردم/ گریه و زاری می‌کردند هستند		
از نرخ‌های منزل جویا نشدم/ تعریف می‌کردن/ چه عرض کنم/ عنتر بیاورم/ وصف نمایم/ خبر آوردندا رودددارازی تمامیم/ جواب بدھیم/ دعا خواندیم روزی نیست که..../ یک پل بود/ بیکار ماندیم/ بی خرجی ماندایم/ بعضی جاها هست/ نبود (وجود نداشت)	فراآیندهای کلامی	فراآیندهای وجودی

مشارکان فراآیند و ساخت گذراي

مشارکان همان افراد یا هویت‌هایی هستند که در انجام کنش یا فراآیند ایفای نقش می‌کنند و مفاهیمی چون کنشگر و حسگر را دربرمی‌گیرند (هليدي و متيسن، ۲۰۰۴: ۲۶۱). از نظر هليدي، ساختارهای سه‌گانه زبان، یعنی ساخت گذراي، ساخت وجه، و ساخت مبتدايی، به سه فرانتش زبان یعنی فرانتش تجربی، فرانتش بینافردی و فرانتش متنی تحقق زبانی می‌بخشد. ساخت گذراي مربوط به فرانتش تجربی زبان است. هاپر و تامسون (۱۹۸۰) در مقاله مهمی گذراي را پدیدهای متأثر از چند عامل دانسته‌اند. يکی از این عوامل مشارکان فراآیند است. عوامل دیگر عبارت‌اند از حرکت (عمل یا غیرعمل)، نمود (غایی یا غیرغایی)، لحظه‌ای بودن، ارادی بودن، مثبت بودن، وجه (واقعی یا غیرواقعی)، عاملیت، تأثیرپذیری مفعول و فردیت مفعول. از نظر هاپر و تامسون، هرچقدر عوامل ده‌گانه بالا در جمله‌ای بیشتر باشد، میزان گذراي آن بالاتر است.

از سوی دیگر، می‌دانیم در هر موقعیت گفتاری، بعضی بخش‌های گفتار مهم‌تر از بقیه بخش‌ها هستند. آن بخش‌هایی که اهمیت کمتری دارند و مستقیماً حرف اصلی سخنگو را منتقل نمی‌کنند، پس زمینه گفتار هستند. این بخش از کلام عمدتاً از حیث میزان گذراي در سطح پایینی است. اما مطالب اصلی گوینده که بخش مهم کلام است پیش‌زمینه نامیده می‌شود که عمدتاً جملاتی است که میزان گذراي شان زیاد است. گویندگان وقتی می‌خواهند زمینه‌چینی کنند، از جملاتی استفاده می‌کنند که میزان گذراي پایینی دارند و وقتی

بتوول واعظ، عطیه سادات نصری بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی...

می‌خواهند حرف و نکته‌های اصلی را بیان کنند، از جملاتی استفاده می‌کنند که گذراي
بالاتری دارند (راسخ‌مهند و محمدی‌راد، ۱۳۹۴: ۲۶).

عناصر حاشیه‌ای

از دیدگاه هلیدی، افزوده یکی از عناصر ساختمانی بند است که ظرفیت نهاد واقع شدن را ندارد و نمی‌تواند به جایگاه بینافردی نهاد ارتقا یابد. افزوده می‌تواند به صورت گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی، گروه اسمی و بند ظاهر شود. افزوده یکی از سازه‌های اختیاری بند است و حضور آن در بند اجباری نیست. در رویکرد نقش‌گرا در هر سه لایه معنای (فرانش) زبان مطرح است. افزوده حاشیه‌ای متعلق به فرانش تجربی یا اندیشگانی است. افزوده حاشیه‌ای درباره بند اطلاعات زمینه‌ای می‌دهد، اطلاعاتی مربوط به موقعیت زمانی و مکانی فرآیند، چگونگی و علت آن، و هدف و وسائل وقوع آن. برخی از انواع افزوده‌های حاشیه‌ای عبارت‌اند از:

۱. موقعیت: این عنصر بر زمان و مکان جریان فرآیند دلالت می‌کند.

۲. گستره: جریان یافتن فرآیند را در زمان و مکان نشان می‌دهد و فاصله مکانی‌ای است که فرآیند در طول آن در حال وقوع است یا دیرش زمانی جریان فرآیند؛ مانند: اگر از شرق به غرب عالم برود؛ او روزی دو ساعت مطالعه می‌کند.

۳. روش: روش و شیوه فرآیند را نشان می‌دهد که شامل سه زیرمقوله است:

الف: ابزار (با، به‌وسیله) ب. کیفیت (چگونه، به‌راحتی) ج. مقایسه (شبیه، به‌مثابه)

۴. علت: چرایی وقوع فرآیند را نشان می‌دهد. بیشتر به صورت بندهای پیرو و با حروف اضافه‌ای مثل بر اثر، در نتیجه، برای آنکه، به‌ایمید، به قصد، با هدف و... ظاهر می‌شود.

۵. همراهی: همراهی شکلی از مشارکت توأم‌ان در فرآیند است و با حروف اضافه‌ای چون و، با، بدون، در، کنار و بهجای بیان می‌شود.

۶. موضوع: با حروف اضافه‌ای چون درباره، درخصوص، درباب، پیرامون، به اعتبار، با توجه به، در رابطه با و... بیان می‌شود.

۷. نقش: معانی بودن و شدن را در قالب عنصر پیرامونی بازنمایی می‌کند. این نوع افزوده معمولاً با حروف اضافه به عنوان، در شکل، در نقش، در هیئت، و در قالب به‌کار می‌رود (صدری، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹).

جدول ۲. انواع افزوده‌های حاشیه‌ای

نوع افزوده	زیربخش‌های افزوده	مثال در متن دو سفرنامه مورد بررسی	
گستره	مسافت	تا چهار مزروعه / دو فرسنگ / تا آنجا	
	دیرش	از اول آفتاب تا سه از دسته گذشته / از اول عمر / این چند روزه / در این اینجی بولی	
	بسامدی	روزی دورتریه / شباهی جمعه	
موقعیت	مکان	از راه حلب / از کاظمین / اینجا / پیش خواهر خانم / تا کربلا / بین راه / تا شکم قاطرها	
	زمان	امروز / امشب / آن شب / بعد از صرف چای / بعد از نماز و چای خوردن / حالا / روز اول ماه شعبان / وقت پیدامشدن / وقت اذان صبح / سحر	
	وسیله		
تفصیلی	کیفیت	با زحمت زیاد / با هزار افسوس / با هزار گریه / با هزار شکر / به ذوق زیارت / به سلامتی و دل خوشی / با اذن دخول / پیاده / در کمال اوقات تالخی / مستعجلان / به هزار مراغه	
	مقاسه	مثل رودخانه فرسخ / مثل باران / مثل ملانصر الدین	
	درجه	بسیار / به قدری / بیشتر / خیلی / زیاد	
شیوه	علت	زمین (از باران) آپیاشی شده / از لطف خدا / از عدم عقل / از ترس باران	
	سبب	برای اینکه / برای جناب وزیر / از برای خرج یومیه / برای چارودارها / به امید خدا / به عنم مسجد کوفه / به جهت کرایه خانه / به جهت جواب تلگراف	
	به خاطر (ذی‌نفع)	به‌واسطه عرق داشتن / به توسط چاپار / به توسط میرزا محمودخان	
گسترشی	شرایط		
	پیش‌فرض		
	پذیرش	با وجودی که / برخلاف کربلای معلی / اگرچه	
همراهی	هم‌کنش	با اجازه حضرت / همراه اقای... / همراه اینها / با آقا سیدمحمد / با مشارلیه / به اتفاق همگی	
	افراشی	هم / باز هم / دیگر / دوباره	
	نقش	در مقام	
تفسیری	محصول	محصول	
	مضمون	مضمون	
	زاویه	منشأ	
فرافکنی	دیدگاه	دیدگاه	

بحث و بررسی

اگر پژوهشیم که زبان اعمال، تفکرات، رفتارها و گفتار گویشوران را بازنمایی می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که نویسنده نیز در متن، با اعمال گزینش‌هایی از میان عناصر زبان، اعمال،

بتوول واعظ، عطیه سادات نصری بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی...

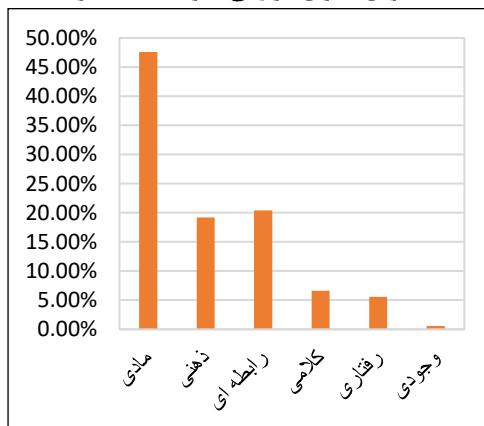
تفکرات و احساسات خود را معکس می‌کند. فعل تجلی زبانی شدن فرآیندهای مادی، ذهنی، رابطه‌ای و... است. نویسنده با توجه به نوع نگاهش به جهان، برای ریختن معنا در کالبد زبان، فعلی از میان افعال موجود در زبان برمی‌گزیند. پس، گزینش افعال و فرآیندها تصادفی نیست و براساس معنای ذهنی نویسنده شکل می‌گیرد. می‌توان با بررسی افعال و فرآیندهای به کاررفته در آنها راهی به ذهن نویسنده پیدا کرد.

در این پژوهش، ۵۰۰ فرآیند (فعل) در هریک از سفرنامه‌ها به صورت تصادفی انتخاب و بررسی شده است. نتایج این بررسی در جدول‌های ۱ و ۲ قابل مشاهده است.

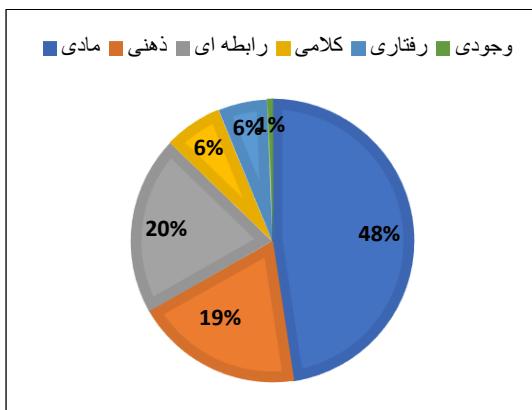
جدول ۳. فراوانی کاربرد انواع فرآیندها در سفرنامه سکینه سلطان

فرآیندهای اصلی	درصد	تعداد	فرآیندهای فرعی	درصد	تعداد
مادی	۴۷/۶	۲۳۸	کلامی	۳۳	۶/۶
ذهنی	۹/۲	۹۶	رفتاری	۲۸	۵/۶
رابطه‌ای	۲۰/۴	۱۰۲	وجودی	۳	۰/۶
			تعداد کل		۵۰۰

در جدول ۳، مشاهده می‌شود که فرآیند مادی، با ۴۷/۶ درصد فراوانی، بر دیگر فرآیندها پیشی گرفته است. پس از آن، فرآیند رابطه‌ای با ۲۰/۴ درصد فراوانی در مقام دوم قرار دارد. فرآیند ذهنی با اختلاف کم با فرآیند رابطه‌ای با ۹/۲ درصد در رتبه بعدی قرار گرفته است. فرآیندهای کلامی و رفتاری با اختلاف ناچیز با هم در رتبه‌های چهارم و پنجم قرار دارند و در نهایت فرآیند وجودی، با کمترین میزان فراوانی، در جایگاه آخر است.



نمودار ۱. درصد فراوانی انواع فرآیندها در سفرنامه سکینه سلطان

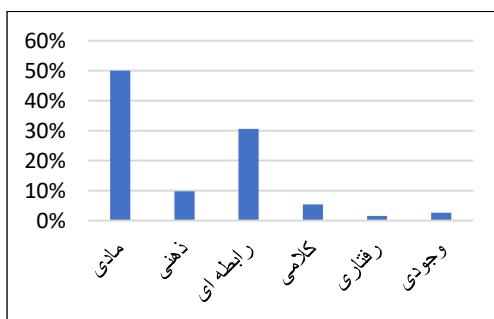


نمودار ۲. درصد فراوانی انواع فرآیندها در سفرنامه سکینه سلطان

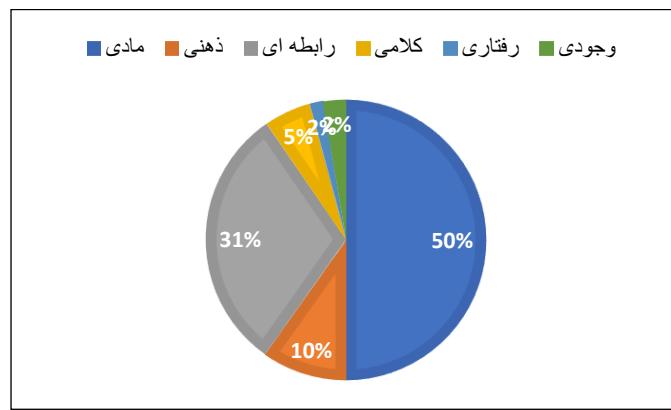
جدول ۴. فراوانی کاربرد انواع فرآیندها در سفرنامه مرد ناشناس

فرآیندهای اصلی	تعداد	درصد	فرآیندهای فرعی	تعداد	درصد
مادی	۲۵۰	۵۰.	کلامی	۵۰	۱۰.
ذهنی	۴۹	۹.۸	رفتاری	۹.۸	۱.۹
رابطه‌ای	۱۵۲	۳۰.۶	وجودی	۳۰.۶	۶.۱
	۵۰۰	۱۰۰	تمام	۱۳	۲.۶

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، فرآیند مادی، با ۵۰ درصد فراوانی، در جایگاه اول قرار گرفته و پس از آن، فرآیند رابطه‌ای با ۳۰/۶ درصد فراوانی در مقام دوم است. فرآیند ذهنی با ۹/۸ درصد فراوانی در جایگاه سوم و پس از آن فرآیندهای وجودی و رفتاری با اختلاف کمی نسبت به هم به ترتیب در جایگاه پنجم و ششم قرار گرفته‌اند و کمترین بسامد را در متن دارند.



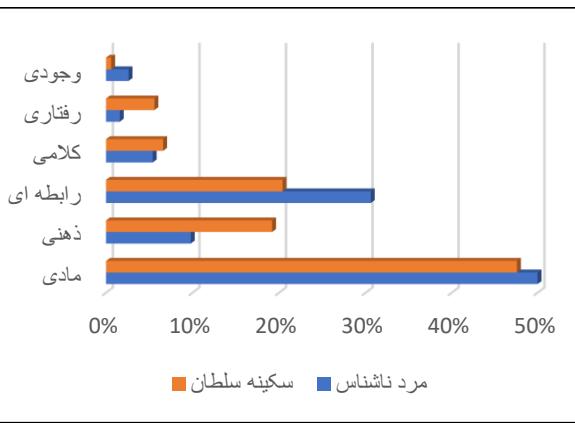
نمودار ۳. درصد فراوانی انواع فرآیندها در سفرنامه مرد ناشناس



نمودار ۴. درصد فراوانی انواع فرآیندها در سفرنامه مرد ناشناس

جدول ۵ مقایسه درصد کاربرد انواع فرآیندها توسط دو نویسنده

نوع فرآیند	مجموع فرآیندها	مرد ناشناس	سکینه سلطان
مادی	۱۰۰٪	۵۰٪	۴۷/۶٪
ذهنی	۱۰۰٪	۹/۸٪	۱۹/۲٪
رابطه‌ای	۱۰۰٪	۳۰/۶٪	۲۰/۴٪
کلامی	۱۰۰٪	۵/۴٪	۶/۶٪
رفتاری	۱۰۰٪	۱/۶٪	۵/۶٪
وجودی	۱۰۰٪	۲/۶٪	۰/۶٪
مجموع فرآیندها			



نمودار ۵ مقایسه درصد کاربرد انواع فرآیندها توسط دو نویسنده

همان طور که در جدول ۵ و نمودار ۵ مشاهده می شود، هردو نویسنده تقریباً به یک میزان (با اختلاف جزئی) فرآیندهای مادی را به کاربردها ندارند، اما درباره فرآیندهای ذهنی، سکینه سلطان ۵/۹ درصد بیشتر از مرد ناشناس فرآیند ذهنی به کاربرده است. در کاربرد فرآیندهای رابطه‌ای، مرد ناشناس، با اختلاف ۱۰/۲ درصد، از سکینه سلطان پیشی گرفته است.

با دقتنظر در این اختلافات، می‌توانیم پی ببریم که سکینه سلطان در تجربه‌اش از جهان خارج بی‌شتر به رخدادهای جهان درونش توجه کرده است، در حالی که مرد نا شناس بی‌شتر به کشف رابطه‌ها و ارزش‌گذاری جهان پرداخته است. سکینه سلطان بیشتر از مرد نا شناس از جهان درونش پرده بردا شته است. او عواطف، احساسات و افکار خود را هم در سفرنامه بیان کرده است. بیشتر بودن کاربرد فرآیند رفتاری در سفرنامه سکینه سلطان (۴ درصد بیشتر از مرد ناشناس) هم مهر تأییدی است بر این مهم که سکینه سلطان اهمیت بی‌شتری به رفتارهای انسانی نشان داده است. از سوی دیگر، در کاربرد فرآیندهای کلامی، سکینه سلطان با اختلاف کم از مرد ناشناس پیشی گرفته است که می‌دهد سکینه سلطان بی‌شتر از مرد نا شناس با هم سفرانش هم‌کلام شده است، در حالی که اختلاف ۲ درصدی این دو در فرآیند وجودی (پیشی گرفتن مرد نا شناس) بر نگاه هستی شناختی نویسنده مرد در روایت پدیده‌ها در طول سفر دلالت دارد. همان‌طور که در کاربرد فرآیند رابطه‌ای هم مشاهده کردیم، مرد ناشناس بیشتر به اشیاء موجود در جهان توجه نشان داده است، در حالی که سکینه سلطان بیشتر به جهان درون خود توجه کرده و به جای ارزش‌گذاری پدیده‌ها در طول سفر، به بیان عقاید و افکار و مشاهدات و احساسات خود پرداخته است.

با اینکه اختلاف سبکی دو نویسنده در کاربرد فرآیندهای فعل، در بسیاری موارد، حداقلی است، در دستور نقش‌گرای هلیدی، هم بسامد پایین و هم بالا معنادار است؛ حتی، بسامد پایین یک مقوله نسبت به بسامد بالا نشان‌دارتر است؛ زیرا می‌تواند جایگاه‌های سکوت یک مقوله زبانی و دستوری را در متن به صورت دلالتمند تحلیل کند. در هردو سفرنامه، فرآیند مادی افعال نسبت به فرآیندهای دیگر بسامد بسیار بالاتری داشت که این موضوع با ماهیت ژانر ادبی سفرنامه مناسب است که کارکرد آن، روایت کنش‌ها، واقعی، رویدادها و پدیده‌هایی است که در دنیای بیرون تحقق یافته‌اند. توجه بیشتر سکینه سلطان به کنش‌ها و رخدادهای دنیای درون خود و رفتارهای انسانی، نشان‌دهنده توجه بیشتر او به

بتوول واعظ، عطیه سادات نصری بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی...

احساسات و افکار خود و همراهانش در طول سفراست، مسئله‌ای که در تجربه مرد ناشناس از جهان کمتر دیده شد. این تفاوت ممکن است از جنسیت این دو نویسنده متأثر باشد. مرد در جریان سفر به دنبال این است که بداند در هر منزلی خرج و مخارجش چقدر می‌شود. زن کمتر به این موضوع توجه دارد و خرج و مخارج را به برادرش که در این سفر همراه او است سپرده است. مرد کمتر به خطرها و سختی‌های راه فکر می‌کند، ولی سکینه سلطان همه ترس‌ها، نگرانی‌ها و سختی‌هایی را که در سفر متتحمل شده در نوشته‌هایش شرح داده است. مرد در مواجهه با حرم معصومان، مانند نوبسته زن، ابراز احساسات نمی‌کند و بیشتر به تو صیف معماري و فضای حرمها می‌پردازد. از سوی دیگر، سکینه سلطان، با اینکه به ظاهر همراهانی دارد، چنان با آنها گفت و گو نمی‌کند و به نظر می‌رسد تنهاست و همدم تنهاست او، یعنی برادرزاده‌اش، که در همه سفرها او را همراهی می‌کرده است، در این سفر با او نیست و سکینه سلطان برای او اظهار دلتنگی می‌کند.

با اینکه عناصر حاشیه‌ای جزء ساختار ذاتی نحو جمله نیست و بیشتر در نقش وابسته‌های فعل عمل می‌کند، در توصیف جهان ذهنی گوینده و کشف شیوه بازنمایی تجربیات جهان پیرامون عنصری سبکی محسوب می‌شود و ماهیت و کاربردی نشانه شناختی دارد. در سفرنامه سکینه سلطان، در مجموع، ۳۷۹ افزوده حاشیه‌ای و در سفرنامه مرد ناشناس، ۲۷۷ افزوده حاشیه‌ای مشاهده شد. این اختلاف زیاد در کاربرد عناصر پیرامونی، تفاوت سبکی چشمگیری را در نوشтар دو نویسنده نشان می‌دهد.

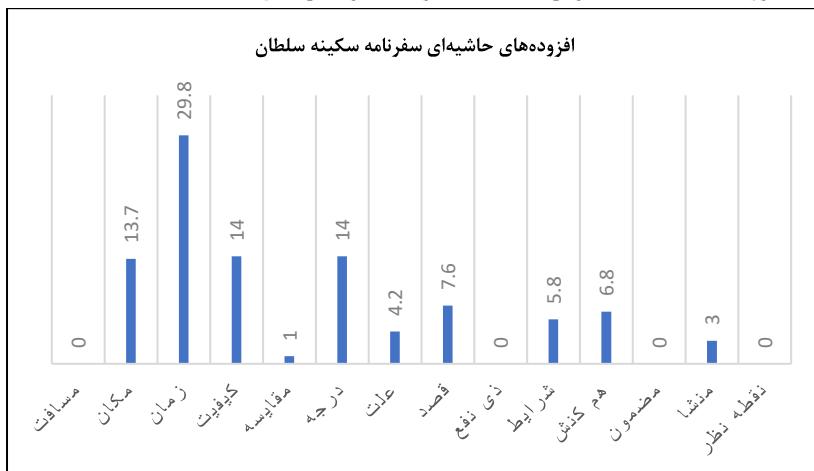
جدول ۶. افزوده‌های حاشیه‌ای در سفرنامه سکینه سلطان

درصد	تعداد	زیربخش‌های افزوده	درصد	تعداد	نوع افزوده	تعداد	تفصیلی
.	.	مسافت	۴۳/۵٪	۱۶۵	موقعیت	۹۰/۱٪	---
.	.	دیرش					
.	.	بسامدی					
۱۳/۷	۵۲	مکان					
۲۹/۸	۱۱۳	زمان					
.	.	وسیله	۲۹٪	۱۱۰	شیوه	۳۴۲	---
۱۴	۵۳	کیفیت					
۱	۴	مقایسه					
۱۴	۵۳	درجه	۱۱/۸٪	۴۵	سبب		
۴/۲	۱۶	علت					
۷/۶	۲۹	قصد					

فصلنامه مطالعات و تحقیقات ادبی دانشگاه خوارزمی
سال ۱۲، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، تابستان ۱۴۰۰

.	.	به باطری (ذی نفع)						
۵/۸	۲۲	شرایط	۵/۸٪	۲۲	محتمل	۶/۸٪	۶/۸٪	گسترشی
.	.	پیش‌فرض						
.	.	پذیرش						
۶/۸	۲۶	هم‌کش	۶/۸٪	۲۶	همراهی	۶/۸٪	۶/۸٪	تشریحی
.	.	افزایشی						
.	.	در مقام	۰	۰	نقش	۰	۰	فرافکنی
.	.	محصول						
.	.	مضمون	۰	۰	مضمون	۳٪	۱۱	زاویه
۳	۱۱	منشأ						
.	.	دیدگاه						

همان‌طور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، از تعداد ۳۷۹ افزوده حاشیه‌ای به کاررفته در سفرنامه سکینه سلطان، بیشترین بسامد مربوط به افزوده زمان با فراوانی ۱۱۳ (۲۹ درصد) است. پس از آن، افزوده‌های کیفیت، درجه و مکان، با بسامد یکسان یا نزدیک به هم، هر کدام، ۵۳ مورد (۱۴ درصد) در متن به کاررفته‌اند. پس از آن، افزوده قصد با ۷/۶ درصد، همراهی با ۶/۸ درصد، افزوده احتمال با ۵/۸ درصد، علت با ۴/۲ درصد، منشأ با ۳ درصد و درنهایت افزوده مقایسه با کمترین بسامد (۱ درصد) در متن نمود یافته‌اند.



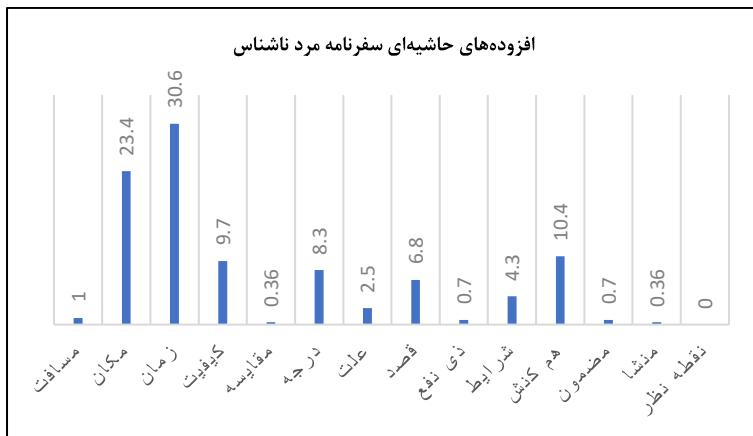
نمودار ۶ درصد انواع افزوده‌های حاشیه‌ای در سفرنامه سکینه سلطان

بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی...

جدول ۷. افزوده‌های حاشیه‌ای در سفرنامه مرد ناشناس

درصد	تعداد	زیربخش‌های افزوده	درصد	تعداد	نوع افزوده	تعداد	تفصیلی
۱	۳	مسافت	۵۴٪	۱۵۰	گستره	۸۷٪	۲۴۱
.	.	دیرش					
.	.	بسامدی					
۲۳/۴	۶۵	مکان	۱۸/۴٪	۵۱	موقعیت	---	
۳۰/۶	۸۵	زمان					
.	.	ویسله					
۹/۷	۲۷	کفیت	۱۰/۱٪	۲۸	سبب	۱۰/۴٪	۲۷۷
۰/۳۶	۱	مقایسه					
۸/۳	۲۳	درجه					
۲/۵	۷	علت	۴/۳٪	۱۲	محتمل	۱/۰٪	۷
۶/۸	۱۹	قصد					
۰/۷	۲	به‌حاطر (ذی‌نفع)					
۴/۳	۱۲	شرط	۱۰/۴٪	۲۹	همراهی	۱۰/۴٪	۲۷۷
.	.	پیش‌فرض					
.	.	پذیرش					
۱۰/۴	۲۹	هم‌کش	۰/۷٪	۲	مضمون	۱٪	۲
.	.	افزایشی					
.	.	در مقام					
.	.	محصول	۰/۳۶٪	۱	راویه	۰	۰
۰/۷	۲	ضمون					
۰/۳۶	۱	منشا					
.	.	دیدگاه					

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، در سفرنامه مرد ناشناس، از مجموع ۲۷۷ افزوده حاشیه‌ای، بیشترین بسامد متعلق به افزوده زمان (۸۵ مورد) با ۳۰ درصد بسامد، پس از آن، افزوده مکان با ۶۵ مورد فراوانی (۲۳/۴ درصد)، سپس افزوده همراهی با ۱۰/۴ درصد، کیفیت با ۹/۷ درصد، درجه با ۸/۳ درصد، قصد با ۶/۸ درصد، احتمال با سه‌چهارم درصد، علت با ۲/۵ درصد، مسافت ۱ درصد و پس از آن افزوده‌های مضمون و ذی‌نفع و مذشأ و دیدگاه با فراوانی کمتر از ۱ درصد در متن حضور دارند.



نمودار ۷. درصد انواع افزوده‌های حاشیه‌ای در سفرنامه مرد ناشناس

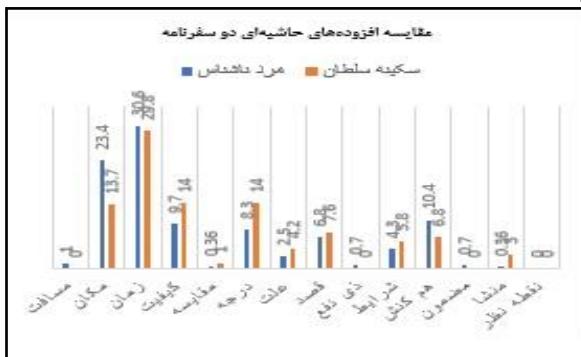
جدول ۸. مقایسه افزوده‌های حاشیه‌ای دو سفرنامه

مرد ناشناس	سکینه سلطان	مرد ناشناس	سکینه سلطان	مرد ناشناس	سکینه سلطان
۱٪	۰	گستره	۸۷٪	۹۰٪	تفصیلی
۵۴٪	۴۳٪	موقعیت			
۱۸٪	۲۹٪	شیوه			
۱۰٪	۱۱٪	سبب			
۴٪	۵٪	احتمال			
۱۰٪	۶٪	همراهی	۱۰٪	۶٪	گسترشی
۰	۰	نقش	۰	۰	تشریحی
۰٪	۰	مضمون	۱٪	۳٪	فرافکنی
۰٪	۳٪	زاویه دید			

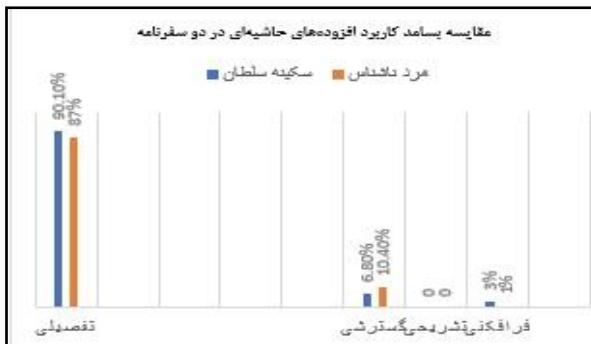
آن‌گونه که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، کاربرد افزوده‌های حاشیه‌ای مربوط به موقعیت در سفرنامه مرد ناشناس ذیمت به سکینه سلطان ۱۰ درصد بیشتر است. در مقابل، سکینه سلطان در کاربرد افزوده‌های حاشیه‌ای مربوط به شیوه، با حدود ۱۰ درصد اختلاف بر مرد ناشناس پیشی گرفته است. کاربرد افزوده‌های سبب و احتمال در سفرنامه سکینه سلطان با اختلاف جزئی نسبت به نثر مرد ناشناس بیشتر بوده است، در حالی که در سفرنامه مرد ناشناس افزوده‌های مربوط به همراهی، با حدود ۴ درصد اختلاف، بیشتر است. نیز افزوده‌های مربوط به زاویه دید در سفرنامه سکینه سلطان با اختلاف حدود ۳ درصد نمود بیشتری دارد.

بتوول واعظ، عطیه سادات نصری
باخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی...

باید به این نکته اذعان داشت که تفاوت نثر دو نویسنده در شیوه بازنمایی تجربیات، که از طریق ساخت گذرای بندها نمود پیدا کرده است، وجود نوشتاری م مستقل برای زنان را اثبات نمی‌کند و بیشتر ذشان‌دهنده نوعی سبک زنانه در نوشتار است. طاهری (۱۳۸۸)، با تممسک به نظریه‌های فلسفی، وجود پیدیده‌ای به نام نوشتار زنانه را صرفاً نوعی توهم می‌داند و اختلافات موجود در آثار زنان و مردان شاعر و نویسنده را تنها تفاوت در سبک نوشتار تلقی می‌کند: «در فلسفه غرب، تقریباً به جز اسپینوزا، همه متفکران بر این باورند که ذهن آدمی امری فراجنسیتی است. بنابراین، زبان نیز نه تنها به عنوان یکی از مهم‌ترین فراوردهای ذهنی، بلکه تنها ابزار تجلی‌بخش ذهن، خارج از دایره تمایزات جنسیتی قرار خواهد گرفت...» (ر.ک: طاهری، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۸).



نمودار ۸. مقایسه بسامد افزوده‌های حاشیه‌ای در دو سفرنامه



نمودار ۹. مقایسه بسامد کاربرد افزوده‌های حاشیه‌ای در دو سفرنامه

نتیجه‌گیری

زبان شناسی نقش‌گرای نظاممند هلیدی، که در سه نظام فرانقه‌شی اندیشگانی، بینافردی و متنی تحقق می‌یابد، در مطالعات سبکی متون ادبی روشنی کارآمد است. در این پژوهش، بهمنظور سبک شناسی ادبی، دو سفرنامه عهد قاجار را، که نویسنده یکی مرد و نویسنده آن دیگری زن است، مطابق فرانقه اندیشگانی و ساخت گذرايی، که در فرآيندهای افعال نمود می‌یابد، بررسی کردیم. با انتخاب ۵۰۰ فرآیند در دو متن، که از نظر حجم نیز نزدیک به هم هستند، و مقایسه فراوانی فرآیندهای افعال آنها، به شیوه بازنمایی تجربیات و ذهنیت دو نویسنده در زبان پرداختیم. تفاوت میزان و انواع فرآیندها و عناصر حاشیه‌ای در دو سفرنامه، تفاوت سبک نوشتار دو نویسنده را نشان می‌دهد. بسامد بالای فرآیند مادی نسبت به فرآیندهای دیگر در دو سفرنامه با ماهیت ژانر ادبی سفرنامه، که محل ثبت و روایت واقعی، رویدادها و تجربیات زیسته فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی انسان‌هاست، تنا سب دارد. از سوی دیگر، بسامد بالای این فرآیند در دو سفرنامه نشان می‌دهد که هردو نویسنده در تجربه جهان پیرامون خود به رخدادها و کنش‌های جهان خارج بسیار نظر داشته‌اند که با ویژگی ژانر سفرنامه، که گزارش واقعی بیرون است، نیز سازگاری دارد. در فرآیندهای دیگر، اگرچه اختلافات اندک است، تفاوت‌های ظرفی در سبک نوشتار دو نویسنده زن و مرد دیده می‌شود. بسامد بیشتر فرآیندهای رابطه‌ای در سفرنامه مرد ناشناس نشان‌دهنده توجه بیشتر او به روابط دنیای پیرامون و ارزش‌گذاری این روابط بوده است. در مقابل، بسامد بالای فرآیند ذهنی و رفتاری در سفرنامه سکینه سلطان از توجه بیشتر او به تو صیف دنیای درونش و تأثیرپذیری احوال درونی او از واقعیات دنیای خارج و توجه بیشتر به رفتار در مواجهه با انسان‌ها حکایت دارد. بسامد پایین فرآیند کلامی و وجودی، با فضای نوشتاری سفرنامه تناسب دارد که ساختار آن بر روایت گزارش‌گونه و توصیفی واقعی، پدیده‌ها و رویدادهای جهان خارج استوار است. نیز، آنچه در سفرنامه‌ها مطرح می‌شود بیشتر نگاه معرفت‌شناختی به جهان خارج است تا نگاه هستی‌شناختی و وجودشناسانه. این موضوع بسامد پایین فرآیندهای وجودی را تا حدودی توجیه می‌کند. در چنین فضایی، گفت‌و‌گو و مکالمه زیاد شکل نمی‌گیرد. چون سفرنامه بیشتر براساس مشاهدات استوار است

بتوول واعظ، عطیه سادات نصری بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی...

و نمود ساحت بینافردی، که تجلی روابط افراد با یکدیگر در نظام اجتماعی است، بهندرت امکان ظهور می‌باید و بهتَّ آن، فرآیند کلامی نیز فراوانی کمی دارد.

در بحث ساخت گذرایی و مشارکان فرآیند بر مبنای نظریه هاپر و تامسون، در هر سفرنامه با بررسی سی‌جمله که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، میزان گذرایی این جملات و ارتباط‌شان با بحث پیش‌زمینه و پس‌زمینه در متن بررسی شد. نتایج نشان داد، همان‌طور که هاپر و تامسون در مقاله خود مطرح کرده‌اند، در این دو سفرنامه هر جا نویسنده‌گان برای بیان مطلب اصلی زمینه‌چینی می‌کنند، جملات از گذرایی کمتری برخوردارند و هر جا کلام اصلی و مطلب مهمی مطرح شده است، میزان گذرایی جملات بالاتر است؛ به‌این معنا که فرآیندهای فعلی در پیش‌زمینه کلام، تعداد مشارکان بیشتری دارد، ارادی، مثبت، دارای وجه واقعی، با عاملیت بالا و نمود غایی است و فردیت مفعول و میزان تأثیرپذیری مفعول هم نسبت به جملات در پس‌زمینه کلام بیشتر است. میزان کاربرد عناصر یا افزوده‌های حاشیه‌ای نسبت به فرآیندها، تفاوت سبکی بیشتری میان دو متن نشان می‌دهد. فراوانی کاربرد عناصر پیرامونی در سفرنامه سکینه سلطان نسبت به سفرنامه مرد نا‌شناس تفاوت چشمگیری دارد. این موضوع نشان می‌دهد که نوبه‌سنده زن در طول سفر بیشتر از نویسنده مرد به جزئیات توجه کرده است. توجه به جزئیات ازسوی زن و کلیات از جانب مرد، تفاوت روان‌شناختی و شخصیتی روشنی میان دو سبک نشان می‌دهد. از میان این عناصر حاشیه‌ای، افزوده مکان و همراهی در سفرنامه مرد نا‌شناس و افزوده درجه، کیفیت و قصد و علت، که از جزئی‌نگری زن حکایت دارد، در سفرنامه سکینه سلطان به ترتیب بسامد بیشتری دارد.

این تفاوت‌های زبانی بیشتر گویای تفاوت سبک نوشتار دو نویسنده است و به معنی اثبات یک نظام نوشتاری مستقل و فردیت‌یافته برا ساس جذب سیستم برای زن نسبت به مرد نیست. البته، نتیجه این بحث، که بر اساس یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی انجام گرفته است، نظری ماهیت دیگر پژوهش‌های زبان‌شناختی به همهٔ متونی که زنان و مردان نوشته‌اند تعیین‌پذیر نیست. پژوهش زبان‌شناختی که درباره این دو سفرنامه صورت گرفت، تفاوت سبک نوشتار زنانه و مردانه را در این دو متن نشان می‌دهد و قطعاً تعیین سبک شناختی این دیدگاه نیازمند مطالعه و پژوهش پیکره‌مند گستردگتری از متون است.

پی‌نوشت

1. Metafunction
2. Ideational Function
3. Interpersonal Function
4. Textual Function
5. Process
6. Participants
7. Circumstantial adjunct
8. Material clause
9. Mental clause
10. Relational clause
11. Behavioral clause
12. Verbal clause
13. Existential clause

منابع

- آقاگلزاده، فردوس (۱۳۹۰) *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- ایشانی، طاهره (۱۳۹۳) «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای». *زبان‌شناسی*. سال پنجم. شماره ۱: ۱۹-۳۴.
- ایشانی، طاهره و زینب بزرگری (۱۳۹۸) «بررسی سنجشی مضمون و سبک در حکایات و حکمت‌های گلستان و بهارستان براساس کارکرد تجربی فرانشیز اندیشگانی». *علم زبان*. دوره ششم. شماره ۱: ۵۶-۳۲۵.
- پهلوان‌نژاد، رضا و آزاده نجفی (۱۳۸۷) «اهمیت نقش ارتباطی زبان در جهت فرآیند زبان‌آموزی در کودکان دبستانی». *نوآوری‌های آموزشی*. سال هفتم. شماره ۲۸: ۴۷-۷۴.
- راسخ‌مهند، محمد، و مسعود محمدی‌راد (۱۳۹۴) «تأثیر گذرایی بر ساخت جمله در زبان فارسی».
- پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. سال پنجم. شماره ۹: ۱-۴۷.
- رضویان، حسین، و شیوا احمدی (۱۳۹۵) «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائه جزئیات در داستان براساس دستور نقشگرای». *جستارهای زبانی*. دوره هفتم. شماره ۶: ۳۴۳-۳۷۰.
- سفرنامه عتبات (۱۳۹۱) *تصحیح و تحقیق سید خلیل طاووسی*. بیام بهارستان. شماره ۱۵: ۹۱۳-۳۹۳.
- سکینه سلطان (وقارالدوله) (۱۳۱۷ ق) *خانوم فردا کوچ است*. ویرایش و تدوین زهرا صالحی‌زاده. تهران: اطراف.

- بتوول واعظ، عطیه سادات نصری بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی... صدری، نیره (۱۳۹۴) «بررسی سبک‌شناختی گلستان سعدی با تکیه بر زبان‌شناسی نقش‌گرا». رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.
- صفایی، مژگان، سید محمد رضا عادل، محمود رمضانزاده لک (۱۳۹۶) «بررسی و تحلیل فرآیندهای فرانش اندیشگانی در شعر «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» اثر فروغ فرخزاد در چارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی». *شعرپژوهی*. سال نهم. شماره ۲: ۱۷-۱۴۰.
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۸) «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟». *زبان و ادب پارسی*. شماره ۴۲: ۸۷-۱۰۷.
- عزیز‌خانی، مریم، سید رضا سلیمانزاده، نصرالله شاملی (۱۳۹۶) «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سورة انتراح». *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*. سال پنجم. شماره ۴: ۶۹-۹۴.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۹۵) *سیر زبان‌شناسی*. چاپ هفتم. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- فالر، راجر (۱۳۸۱) *ادبیات بهمنزله کلام، زبان‌شناسی و نقد ادبی*. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. ویراست دوم. تهران: نی.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۹۳) *بهسوی زبان‌شناسی شعر*. تهران: آگه.
- وفایی، عباسعلی، و فرشته میلانی (۱۳۹۹) «بررسی جایگاه تجربه‌گر در نظام فکری اشراقتی برمبنای فرانش اندیشگانی (مطالعه موردی: رسائل لغت موران و صفیر سیمرغ)». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. سال شانزدهم. شماره ۵۹: ۲۷۱-۲۹۶.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۵) *زبان، بافت و متن. ترجمة مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی*. چاپ دوم. تهران: علمی.
- Thompson.Geoff (2004) *Introducing Functional Grammar*. 2nd ed. London: Arnold Publication.
- Halliday, Michael and Matthiessen Christian (2004) *Introduction to Functional Grammar*. 3rd ed. Hodder Arnold Pub.
- Hopper, Paul J. & Sandra A. Thompson (1980) "Transitivity in grammar and discourse". *Language*, 56: 251-299.